مخالفین

با فضایی که از قرن سوم پدید آمد و ماجرای قرائت به معنا را کاملاً دگرگون ساخت، این مطلب به امری تاریخی بدل شد. در ادامه اما باحثین اهلسنت با در نظر گرفتن فضای جدیدی که در آن زندگی میکردند و غرابت این داستان، شروع به انکار و توجیه رویه سلف خود کردند.

از باقلانی در قرن چهارم تا معاصرین از اهلسنت همگی قول به ترادف را باطل میشمردند:

باقلاني وأما ما يدل على فساد قول من زعم أن معنى الأحرف السبعة أنها أسماء مترادفة على شيء واحد **...ويدل على فساد هذا التأويل أيضا أن قارئا لو قرأ مكان (وجاء ربك) ، ووافى ربك، وقرأ: "إني ماض إلى ربي" مكان، (إني ذاهب إلى ربي) ولو قرأ: "جيئوا إلى كلمة سواء بيننا وبينكم" أو: "اوفوا إلى كلمة سواء بيننا وبينكم" مكان قول الله تعالى: (تعالوا إلى كلمة سواء بيننا وبينكم) لم يسغ ذلك ولم يحل بإجماع المسلمين،...**

وقد روي أن عبد الله قرأ "كالصوف المنفوش" مكان (العهن المنفوش) .

وقرأ: "إن كانت إلا زعقة واحدة" مكان: (صيحة واحدة) .

وقرأ بعضهم: "إن شجرة الزقوم طعام الفاجر" مكان: (طعام الأثيم) .

فيكون هذا الاختلاف في الأسماء التي معناها واحد **وجها مما أنزله الله تعالى وسماه الرسول حرفا،** وجعله بعض السبعة الأوجه التي أنزل الكتاب بها، وإنما ننكر أن يكون هذا الضرب فقط هو معنى جميع الوجوه

والأحرف التي أنزلت على ما قاله أصحاب هذا التأويل، فهذا هو الفصل بيننا وبينهم في تنزيل هذا الوجه ومرتبته، فدل ما ذكرناه على أن المراد بذكر الأحرف السبعة المطلقة للاختلاف إنما هو

أوجه[1]

وأما من قال عن ابن مسعود: أنه كان يجوز القراءة بالمعنى فقد كذب عليه وإنما قال: قد نظرت إلى القراء فرأيت قراءتهم متقاربة وإنما هو كقول أحدكم: أقبل وهلم وتعال فاقرؤوا كما

علمتم أو كما قال.[2]

نقطه مشترک این توجیهات،این است که مدعیند ترادف بیان شده در کلمات اصحاب نیز از قرائات نازل شده بوده است و نه از جانب خود قاریان. این توجیه، راهگشای برخی مصادیق مورد اشاره بوده است نه همگی آنها.

انس وقتی با انکار مستمعان خود مواجه میشود،نمیگوید این را از پیامبر خدا شنیدم بلکه میگوید همه اینها مثل هم هستند و فرقی بین این کلمه با مترادفات آن نیست. ابن جنّی که در فضای استقرار نظریه بطلان قول به معنا زندگی میکرده و با پیشفرض های امروزیان مواجه نبوده است، استظهار روشنی از مسئله دارد و میگوید این قبیل عبارات نشانگر قائل بودن این گروه به جواز نقل به معناست و اساساً امثال انس بودند که این قرائات را در میان مسلمین ترویج کردند.

از سوی دیگر، نوع منکرین چه معاصر و چه متقدم آن‌ها صرفاً به برخی از کلمات از جمله کلام ابن مسعود تمسک کرده‌اند و آن را به‌عنوان موافق دیدگاه خود حمل نموده‌اند. این در حالی است که حجم مستندات بسیار بیشتر از کلام ابن مسعود است. در مورد کلام ذهبی چه می‌گویند که صریحا نقل به معنا را در قرآن تصدیق می‌کند یا در مورد فتوای ابوحنیفه به جواز قرائت نماز به فارسی. و الله العالم.

در ادامه شاهد مستندات تفصیلی نوشتار بالا خواهید بود.

---

[1] كتاب الانتصار للقرآن للباقلاني، ج ۱، ص ۳۸۲-۳۸۳

[2] كتاب مجموع الفتاوى، ج ۱۳، ص ۳۹۷ نزدیک به همین عبارت در كتاب شرح الطحاوية ت الأرناؤوط، ج ۲، ص ۴۳۰ و كتاب النشر في القراءات العشر، ج ۱، ص ۳۲ و كتاب تفسير القاسمي محاسن التأويل، ج ۱، ص ۱۸۲

بازبینی #1
ایجاد شده 16 آوریل 2025 16:40:37 توسط ... .
به روزرسانی شده 16 آوریل 2025 16:41:01 توسط ... .